یادداشت

واژه‌های روشن «سرشک»

درباره محمدرضا شفیعی کدکنی، شاعر، پژوهشگر و عارف خراسانی به‌مناسبت زادروز او

فاطمه مجیدی کدکنی| «کلماتم را در جوی سحر می‌شویم» تا به بهانهٔ زادروز استاد شفیعی کدکنی، از وی بگوییم و واژه‌های روشن شعرش. یکی از نکاتی که در شعر شفیعی کدکنی برجسته و پررنگ است، امید و حرکت و روشنی است، چیزی که «در این زمانه عسرت» سخت به آن نیازمندیم. اگر شعر شفیعی کدکنی را در کنار شعر شاعر بزرگ همعصر و هم‌اقلیمش، مهدی اخوان ثالث بگذاریم و از حیث معنی بررسی کنیم، یک تضاد پررنگ در شعر این دو باز خراسانی می‌بینیم و آن تضاد امید و ناامیدی است. در شعر م. امید برای انسان «امید رستگاری نیست»/ «انتظار خیری از قاصد نیست»/ و راه‌ها «بی‌برگشت» است. ناامیدی در تار و پود شعر اخوان تنیده شده است و در مقابل شعر شفیعی پر است از امید و حرکت به سوی نور و روشنی. البته امید از پس بیان مضمون ناامیدی بسیار خوب برآمده است و راز برجستگی شعر وی نیز همین است. چند مسئله در نمود امید و حرکت و روشنی در شعر شفیعی کدکنی مؤثر است: یکی از این مسائل که باعث امیدبخشی در شعر شفیعی شده است پیوند عمیق وی با عالم عرفان و متون عرفانی است که موجب جذب مفاهیم روشن عرفانی در شعر وی است و نگاهی زیبا به وی بخشیده است، چنان که بیداری درخت را در اسفندماه «بیداری شکفته، پس از شوکران مرگ» می‌بیند و آینه را «جویبار ازل» می‌بیند و «صحرای پر غزال و غزل» که خدا را در آن می‌توان دید و گل آفتابگردان را دعای خورشید می‌داند که مستجاب گشته است و «شده اتحاد معشوق به عاشق از تو، رمزی، نگهی به خویشتن کن که خود آفتاب گشتی». مسئله دیگری که باعث شده حرکت و تکاپو و روشنی در شعر او نمایان شود، دلبستگی شاعر به طبیعت است که موجب موج زدن دریا و جویبار و باران و کبوتر و برگ و نسیم و نیلوفر در شعر وی شده است. شعرش سرشار است از «جمله‌های ساده نسیم و آب و جویبار/ فعل لازم نفس کشیدن گیاه/ اسم جامد ستاره، سنگ/ اشتقاق برگ از درخت». او خود را «دریایی» می‌داند که باکی از طوفان ندارد و هر چند «همه عمر خویش آشفته است» از مرداب بودن بیزار است، و ترجیح دهد که «درختی باشد در زیر تازیانه کولاک و آذرخش/ یا پویه شکفتن و گفتن/ تا/ رامصرعه‌ای/ در نار و در نوازش باران/ خاموش از برای شنفتن». نسیم جاری شعر شفیعی هر چند از بسته‌پایی «گون» دلگیر می‌شود، به سفر رنده است و سلام‌رسان گرفتاران در آرزوی آزادی که «چو از این کویر وحشت به سلامتی بگذرد به شکوفه‌ها، به باران، سلامشان را برساند.» مسئله دیگری که باعث حرکت و زندگی در شعر شفیعی کدکنی شده است، دلبستگی شاعر به سخن است و سرودن و خواندن و آواز. او اغار آفرینش را با سخن می‌داند که «در اغار سخن بود و سخن تنها بود» و همراه این سخن «بوسه و نان و تماشای کبوترها بود». وی زندگی را در آب و نان خلاصه نمی‌بیند بلکه «آب، نان، آواز» را با هم لازمه زندگی می‌داند. «ور فزون‌تر خواهی از آن گاه‌گه پرواز»، مرغ بیداری را در خواندن و دوباره خواندن می‌داند که «بخوان به نام گل سرخ در صحرای شب/ که باغ‌ها همه بیدار و بارور گردند/ بخوان دوباره بخوان، تا کبوتران سپید/ به آشیانه خونین دوباره برگردند». و بودن را مساوی سرودن می‌داند که «بیرای تا که هستی که سرودن است بودن/ به ترنمی دژ وحشت این دیار بشکن» و «بودن، سرودن، سرودن/ زنگ سکون را زدودن».

«استادیار دانشگاه نیشابور»

نگاره

در زادروز دکتر شفیعی کدکنی، ادیب برجسته، عکس تقدیمی اخوان ثالث بزرگ را به او ببینید با دستخت اخوان: برای محمدرضا شفیعی کدکنی -همشهری، هم‌روستایی عطار بزرگ- تصویر اوست و من، اما یادم نیست کی و کجا برداشته شده، امشب در البوم دیدم و دلم به هوایش پر زد، گفتم این عکس را به او بدهم. او بهتر از من و همه کس است، «واحد کالاف» است از همه جهات معنوی و روحی.
قربان شفیعی عزیزم.(۱۳۶۷/۵/۳۰)

دو سروده از محمدرضا شفیعی کدکنی

چامه سرا

مرزهای ایرانشهر

با یاد ایرج افشار

خط‌های روی نقشه به دیوار؟
و آن سیم خاردار؟
-نه هرگز!
معنای من کجاست، پس اکنون؟
در تنگ این حصار؟
-نه هرگز!

از سیم خاردار گذر کن
بگذر ز خار و صخره خارا
آن سوی بادکوبه و گنجه
و آن سوی مرو و بلخ و بخارا

آن سوی عهدنامه شاهان
از سُغد تا هرات و نشابور
هر جا بیات ترک و همایون
هر جا نوای پرده ماهور.

آفاق همدلی و همیشه
هر جا من و شماست، همانجا
هر جا که نام حافظ و خیّام
در خاطر آشناست، همانجا.

شیپور اطلسی‌ها

در روزگار عربده مرگ
در غربتی که هرچه ترانه‌ست
از مرگ می‌سراید و
نومید،
شیپور اطلسی‌ها
فریاد زندگی‌ست
در انتظار رایت خورشید.

تشویق مالکان به تغییر کاربری

تشویق مالکان به تغییر کاربری| اولین جلسه کمیته «کاربری بخشی خانه‌های تاریخی» در حالی روز گذشته در دفتر معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد برگزار شد که هادی بختیاری، رئیس کمیته و معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، نرگس شالچیان، مدیر فرهنگی گردشگری و امور زائران و نماینده‌گانی از معاونت شهرسازی و معماری، معاونت اقتصادی شهرداری، سازمان میراث‌فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی و شهرداری منطقه ۸ و تامین در آن حضور داشتند.

طرح کاربری بخشی خانه‌های تاریخی با هدف معرفی ظرفیت‌های مناسب برای حوزه‌های فرهنگی و هنری مشهد، اواخر دوره شورای چهارم شهر تصویب شد. بر این اساس، قرار است اماکن و فضاهای تاریخی موجود با تغییر کاربری، نقش‌های جدیدی بگیرند و این نقش‌های جدید علاوه‌بر آورده‌هایی برای مشهد، در آمدزایی هم بکنند.

همچنین طبق این مصوبه به‌منظور حفظ و احیا و مرمت آثار تاریخی ثبت‌شده مشهد و تشویق متقاضیان حقیقی و حقوقی، پروانه رایگانی را در حد تعمیرات، بهسازی و بهره‌برداری این آثار در اختیار متقاضیان می‌گذارم.

مدیریت گردشگری شهرداری با برگزاری این جلسات قصد دارد با همکاری سازمان‌های مختلف و تصمیم‌گیری در یک کمیته مشترک، این طرح را زودتر به نتیجه برساند.

همچنین در گام نخست قرار است خانه‌هایی که شهرداری تملک آن‌ها را برعهده دارد، تغییر کاربری دهند تا بخش خصوصی و مالکان برای ورود به این پروسه، تشویق شوند که این موضوع باید تبدیل به مطالبه شود.

همچنین در این جلسه بعد از بررسی مفاد آیین‌نامه کاربری بخشی خانه‌های تاریخی، مصوب شد آیین‌نامه موجود در جلساتی با دستگاه‌های مربوط اصلاح شود و در جلسه بعدی این کمیته، نظرهای کارشناسانه افراد برای اصلاح، اعلام شود. همچنین مقرر شد کاربری هرخانه را شورای فنی میراث‌فرهنگی به‌صورت مجزا مشخص کند و چندین نوع کاربری برای هرخانه تعریف شود.

● ۴۵ قاب از دفاع مقدس

روز گذشته نمایشگاه عکس استاد علی کاوه، عکاس مطرح در دفاع مقدس، به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، با حضور دکتر احسان اصولی، رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورا، شهناز رمازم، عضو شورا، دکتر هادی بختیاری، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، و جمعی از علاقه‌مندان و عکاسان مشهدی در نگارخانه شهر افتتاح شد.

به گزارش شهرآرا، در این نمایشگاه ۴۵ قاب از عکس‌های دفاع مقدسی علی کاوه در اندازه ۱۰۰ در ۷۰ به نمایش گذاشته شده است.

علی کاوه که سال‌ها در قامت عکاس ورزشی فعالیت کرده بود، ۸ سال به عنوان عکاس صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی حضور داشته و عکس‌های ماندگاری از این فضا به نام خود ثبت کرده است. تصویر امام خمینی(ره) روی اسکناس‌ها نیز از جمله عکس‌هایی به شمار می‌آید که این هنرمند مطرح آن را ثبت کرده است.

نمایشگاه عکس علی کاوه تا روز ۲۲ مهر ادامه خواهد داشت و در طول دوران برگزاری از ساعت ۸ الی ۱۲ و ۱۵ الی ۱۷ پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود.

شهناز رمازم در حاشیه این مراسم و در گفت‌وگو با شهرآرا به حضور مؤثر زنان در جنگ تحمیلی اشاره کرد و گفت: حضور زنان در جبهه نمادین نبود. آن‌گاه اسلحه به دست می‌گرفتند و از مجروحان دفاع می‌کردند. عکس‌های زیادی هم از این حضور در جبهه گرفته شد اما کمتر چاپ شده است.

وی اظهار امیدواری کرد عکاسان جنگ آثار برجای‌مانده را در اختیار محققان قرار دهند و این آثار بررسی شوند تا بتوانیم شاهد برگزاری نمایشگاهی از حضور مؤثر بانوان در جبهه هم باشیم.

بدعت شیرین لسان الغیب

گفت‌وگو با دکتر سید جواد مرتضایی به مناسبت روز بزرگداشت حافظ

گفت‌وگو

فاطمه خلخالی استاد| آسان نیست از حافظ و غزل‌هایش گفتن و به ورطه تکرار نیفتادن، با این حال لسان غیب خواجه شمس‌الدین محمد بن بهاءالدین محمد حافظ شیرازی، چنان مفاهیم نهفته در اشعارش را با فال زندگی و احوال هر یک از ما منطبق می‌کند که هرچه از او و شعرش بیشتر بشنویم و بخوانیم، باز گیرا و شنیدنی و خواندنی است. فردا ۲۰ مهر، روز بزرگداشت اوست؛ شاعری که اگر بود حالا به سبب نشر بسیار کتابش، لابد سرمایه مادی بس عظیمی فراهم آورده بود. دیوان حافظ، این شاعر سده هشتم، شامل حدود ۵۰۰ غزل، شماری قصیده، ۲ مثنوی، چند قطعه و تعدادی رباعی است که تاکنون بارها به زبان‌های مختلف جهان منتشر شده است. به پاسداشت نام او و درباره او با دکتر سیدجواد مرتضایی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد و نویسنده کتاب‌هایی چون «از عرفان شعر حافظ»، «از موسیقی معنوی شعر حافظ»، «از شعر دلکش حافظ» و جز اینها، گفت‌وگو کردیم.

● **در تذکره‌ها و نیز اشعار خود حافظ زندگی او تا چه اندازه نمود داشته است؟**

در تذکره‌هایی که از اواخر سده هشتم به بعد به دست ما رسیده است، اشاره‌هایی به زندگی حافظ وجود دارد اما چون این اشاره‌ها اسناد تاریخی موثقی ندارند، غیرقابل اطمینان هستند و تقریبا ما را شرح حال دقیق زندگانی این شاعر بی‌نظیر هستیم. خود او اشاراتی درباره زندگی‌اش در غزل‌هایش دارد اما خیلی کم‌رنگ است. مثلا غزلی که در مرثیه و رثای فرزندش گفته، نشان می‌دهد که او فرزندی داشته است ولی حتی اسمش را هم بیان نمی‌کند. مطالبی که درباره فرزندان حافظ گفته شده و اینکه همسری به نام شاخه نبات داشته است، ساخته و پرداخته ذهن تذکره‌نویسان ماست. البته اطلاعاتی جزئی درباره خواجه شیراز در مقدمه محمد گلندام -جمع‌آورنده دیوان حافظ و هم‌عصر او- هست که در آغاز برخی تصحیحات دیوان حافظ آمده است. گلندام شخصیت تاریخی مسجل و قطعی‌ای برای ماست و اطلاعاتی جزئی که درباره حافظ به ما می‌دهد موثق است. جز این هر آنچه مانده، بیشتر ساخته و پرداخته ذهن اصحاب تذکره است. به هر حال مسلم است که حافظ حدود دهه دوم سده هشتم به دنیا آمده، اواخر سده هشتم یعنی بین ۷۹۰ تا ۷۹۲ فوت کرده و عمری حدود ۷۵ تا ۷۸ سال داشته است. او طی عمر بابرکتش زیباترین و بی‌نظیرترین غزل‌های فارسی را به تاریخ ادبیات ما تقدیم کرده است.

● **حافظ چقدر در اشعارش به اتفاقات اجتماعی و سیاسی جامعه خود توجه داشته است؟**

دوران زندگی حافظ بسیار پرآشوب بوده است. اینجو در شیراز مصادف است. در این زمان، حافظ بسیار مورد توجه شاه بوده و دوران بسیار خوشی داشته است. با تصرف شیراز به دست امیر مبارزالدین محمد، شیخ ابواسحاق کشته می‌شود. حافظ غزلی دارد که به دوران خوش ابواسحاق تأسف می‌خورد: راستی خاتم فیروزه بوسحاقی/ خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود. امیر مبارزالدین، بعد از چهل‌سالگی توبه می‌کند و به تشرع و تزهد روی می‌برد و اعمال سخت گیرانه‌ای را در پیش می‌گیرد. این دوران برای حافظ دوران بسیار نامساعدی بوده است. بیشتر مواقعی که در غزلیاتش از محتسب نام می‌برد منظورش همین امیر مبارزالدین محمد است. پس از کشته شدن امیر مبارزالدین، پسرش شاه شجاع حدود ۲۷ سال در شیراز حکومت می‌کند که این دوران طولانی برای حافظ خوشایند بوده است. چون شاه‌شجاع اهل شعر بوده و دیوان اشعاری هم داشته و به حافظ و دیگر شاعران توجه می‌کرده است. اما در پایان دوران حکومتش به دلیل بیماری جوع‌البقر و به سفارش برخی محارم متمایل به زهد می‌شود و راه و رسم پدر در پیش می‌گیرد. در این ایام رابطه‌اش با حافظ به کدورت می‌گراید. پس از شاه شجاع نیز، هر چند سال، یک نفر حکومت می‌کند که شهرداری به‌منظور حفظ و تغییر کاربری دهند تا بخش خصوصی و مالکان برای ورود به این پروسه، تشویق شوند که این موضوع باید تبدیل به مطالبه شود.

همچنین در این جلسه بعد از بررسی مفاد آیین‌نامه کاربری بخشی خانه‌های تاریخی، مصوب شد آیین‌نامه موجود در جلساتی با دستگاه‌های مربوط اصلاح شود و در جلسه بعدی این کمیته، نظرهای کارشناسانه افراد برای اصلاح، اعلام شود. همچنین مقرر شد کاربری هرخانه را شورای فنی میراث‌فرهنگی به‌صورت مجزا مشخص کند و چندین نوع کاربری برای هرخانه تعریف شود.

● ۴۵ قاب از دفاع مقدس

روز گذشته نمایشگاه عکس استاد علی کاوه، عکاس مطرح در دفاع مقدس، به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، با حضور دکتر احسان اصولی، رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورا، شهناز رمازم، عضو شورا، دکتر هادی بختیاری، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، و جمعی از علاقه‌مندان و عکاسان مشهدی در نگارخانه شهر افتتاح شد.

به گزارش شهرآرا، در این نمایشگاه ۴۵ قاب از عکس‌های دفاع مقدسی علی کاوه در اندازه ۱۰۰ در ۷۰ به نمایش گذاشته شده است.

علی کاوه که سال‌ها در قامت عکاس ورزشی فعالیت کرده بود، ۸ سال به عنوان عکاس صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی حضور داشته و عکس‌های ماندگاری از این فضا به نام خود ثبت کرده است. تصویر امام خمینی(ره) روی اسکناس‌ها نیز از جمله عکس‌هایی به شمار می‌آید که این هنرمند مطرح آن را ثبت کرده است.

نمایشگاه عکس علی کاوه تا روز ۲۲ مهر ادامه خواهد داشت و در طول دوران برگزاری از ساعت ۸ الی ۱۲ و ۱۵ الی ۱۷ پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود.

شهناز رمازم در حاشیه این مراسم و در گفت‌وگو با شهرآرا به حضور مؤثر زنان در جنگ تحمیلی اشاره کرد و گفت: حضور زنان در جبهه نمادین نبود. آن‌گاه اسلحه به دست می‌گرفتند و از مجروحان دفاع می‌کردند. عکس‌های زیادی هم از این حضور در جبهه گرفته شد اما کمتر چاپ شده است.

وی اظهار امیدواری کرد عکاسان جنگ آثار برجای‌مانده را در اختیار محققان قرار دهند و این آثار بررسی شوند تا بتوانیم شاهد برگزاری نمایشگاهی از حضور مؤثر بانوان در جبهه هم باشیم.

استناد به سینمای مستند

گفت‌وگوی شهرآرا با رخشان بنی‌اعتماد در به بهانه حضورش در مشهد

گفت‌وگو

زرآسا زرد کانلوا| در پشت‌صحنه سینمای ایران نام مردان بسیاری می‌درخشد و تعداد اندک زنان موفق در کسوت کارگردان و تهیه‌کننده، همواره در صنعت و هنر سینما محسوس است اما رخشان بنی‌اعتماد از انگشت‌شمار هنرمندان عرصه هنر هفتم بود که «جنسیت»، مانع افتخار آفرینی و موفقیت نبوده‌است. او که باوجود برخورداری از کارنامه‌ای شایسته، با فیلم‌های داستانی شناخته شده است، خود را در وهله نخست، کارگردان مستند می‌داند. او چند سالی است با همراهی مجتبی میرتهماب پروژه فیلم‌سازی «کارستان» را آغاز کرده است. آن‌ها تاکنون با هم مستندهای بسیاری درباره شخصیت‌های بزرگ کشور که صفحات مربوط به آنان در کتاب تاریخ ایران گم شده بود، ساخته‌اند تا رسالت تاریخی خود را ادا کنند و اتصالا هم ادا کردند. حال رخشان بنی‌اعتماد و مجتبی میرتهماب، به بهانه نمایش آخرین مستند ساخته‌شده از پروژه کارستان در دانشگاه فردوسی، به مشهد آمده‌اند تا مستند «تورانخانم» را که درباره زندگی توران میرهادی، معمار نهادهای کودکی و مادر علم تعلیم و تربیت نوین در ایران است، با دانشجویان به تماشا بنشینند. حضور این بانوی فرهیخته در مشهد، فرصتی بود تا با او درباره فعالیت‌های اخیرش گفت‌وگوی کوتاهی انجام دهیم.

● **ساختار مجموعه فیلم‌های کارستان به‌گونه‌ای است که کوبی جامعه هدف و مخاطبان اصلی شما را قشر دانشگاهی و جوانان تشکیل می‌دهند. این مجموعه تاکنون با هفت فیلم مستند(با وجود محدود بودن در نمایش خانگی) توانسته توجه مخاطبان خود را جلب کند. نظر خودتان در این‌باره چیست؟**

درست است. یکی از اهداف بسیار جدی ما در ساخت مستندهای پروژه کارستان، نمایش آن‌ها در فضاهای دانشگاهی بود و هرجا این اتفاق افتاد، ما به‌شدت استقبال کردیم و حتی توقع و انتظارمان هم خیلی بیشتر از این بود؛ چون فکر می‌کنیم الزاما باید این مجموعه را قشر تحصیل کرده جامعه ببینند. چون درباره شخصیت‌های افتخارآفرینی است که هرکدام‌مان به نوعی با نگاهی جدید در ردپای آن‌ها گذاشتیم. همیشه معتقد بوده که اگر شاگرد توران‌خانم بوده، حتما آدم بهتر و مادر بهتری می‌شدم.

● **رخشان بنی‌اعتماد از مستندسازانی است که بیشتر با فیلم‌های داستانی خود شناخته شده است اما شما پس از «قصه‌ها»، دیگر فیلم داستانی نساختید و تمام تمرکز خود را بر فیلم مستند و پروژه کارستان متمرکز کردید. چه شد که از فضای ساخت فیلم داستانی فاصله گرفتید؟**

بله، من مستندسازی هستم که فیلم داستانی هم می‌سازم ولی با فیلم‌های داستانی‌ام بیشتر شناخته شده‌ام، اما بعد از قصه‌ها و داستان‌های پیچیده‌اش که پس از ۴ چهار سال ساخته شدن برایم‌ام، حس کردم که در سینمای مستند، استقلال بیشتری دارم. مناسبات سینمای مستند را نسبت به سینمای داستانی با خودم همخوان‌تر می‌دانم. از این‌رو از سینمای داستانی فاصله می‌گیرم و دور می‌شوم.

● **به نظر می‌رسد شما کارکردان گزیده‌کاری هستید. می‌خواهم بدانم سانسور چقدر بر گزیده‌کاری شما تاثیر گذاشته است؟**

اگر در موضوعی سانسور دست‌وپایم را ببندد که مجبور شوم خلاف واقعیت چیزی را تصویر کنم، بی‌تردید به‌سراغش نمی‌روم. خیلی از موضوعاتی که دوست دارم و حس می‌کنم نیاز است درباره‌اش فیلم ساخته شود، اگر حس کنم سانسور می‌شود، ترجیح می‌دهم سمتش نروم تا مجبور نباشم حرفم را ناتمام بگذارم.

● **آیا در آینده بازهم فیلم داستانی از رخشان بنی‌اعتماد خواهیم دید؟**

ما در پروژه کارستان درحال‌حاضر درگیر نوشتن پنج فیلم‌نامه سینمایی هستیم که خود عمری طولانی را می‌طلبد و موضوع این فیلم‌ها نیز داستانی است.

● **یکی از ویژگی‌های بارز فیلم‌های شما چه داستانی و چه مستند، این است که محدود به بازه زمانی خاصی نیست. حتی فیلم‌هایی که در دهه ۶۰ و ۷۰ ساخته‌اند، نیز توجه مخاطب نسل امروز را جلب می‌کند. خودتان دلیل این موضوع را چه می‌دانید؟**

اگر شما چنین نظری دارید، باعث خوشحالی من است. به‌هرحال موضوع فیلم‌هایی که من می‌سازم، اجتماعی است و متاسفانه هنوز خیلی از این موضوعات نه‌تنها حل نشده که شاید خیلی‌هایش شکل پیچیده‌تری هم پیدا کرده‌است. به‌نظرم دلیلش می‌تواند این باشد «توران‌خانم» را که درباره زندگی توران میرهادی، معمار نهادهای کودکی و مادر علم تعلیم و تربیت نوین در ایران است، با دانشجویان به تماشا بنشینند. حضور این بانوی فرهیخته در مشهد، فرصتی بود تا با او درباره فعالیت‌های اخیرش گفت‌وگوی کوتاهی انجام دهیم.

● **شما تا لحظه مرگ توران میرهادی با او همراه بودید و قطعا خاطرات بسیاری درکنار او ساخته‌اید. کمااینکه بارها از لذت بودن در کنار او سخن به‌میان آورده‌اید. خاطره‌ای هست که اکنون بخواهید از او نقل کنید؟**

یک‌بار در ترافیک و شلوغی تهران به او گفتم: توران‌خانم! می‌بینید چقدر شهر آلوده و شلوغ و زشت شده است؟ گفت شما شهر را نگاه نکنید، آدم‌ها را نگاه کنید. شهر ما آدم‌های بی‌نظیری دارد. من بارها در برابر سر توران‌خانم خجالت کشیدم. همیشه معتقد بوده که اگر شاگرد توران‌خانم بوده، حتما آدم بهتر و مادر بهتری می‌شدم.

● **به نظرتان شرایط و موقعیت در کلان‌شهری مثل مشهد برای ساخت فیلم(چه داستانی و چه مستند) چگونه است؟ آیا تمرکز هنرمندان در پایتخت، فرصت دیده شدن در این وادی را به شهرستان‌ها می‌دهد؟**

ما در سینمای مستند و داستانی، ظرفیت‌های بسیار چشمگیری درمیان همکاران مشهدی دیده‌ایم که سال‌هاست کار می‌کنند و آثار قابل‌اعتنایی هم دارند، ولی نمی‌توانم درباره اینکه شرایط و امکانات ساخت و تولید فیلم چقدر اجازه کار و تولید در خود استان را می‌دهد، نظری بدهم. می‌شود به‌شکل عام گفت که متاسفانه به‌دلیل نبود شرایط و امکانات موردنیاز برای رشد و بروز استعدادهای شهرستان‌ها و به‌دلیل تجمع نسبی امکانات در تهران، نیروهای خلاق به‌طرف تهران کشیده می‌شوند و این چیز خیلی عجیبی نیست. متاسفانه در همه جای دنیا این واقعیت را می‌توان مشاهده کرد.

نمایشگاه

علی عبدالهی |شهرآرا

کارگاه آموزشی و نمایشگاه آثار علی کاوه

کارگاه آموزشی و نمایشگاه آثار علی کاوه عکاس پیشکسوت انقلاب و دفاع مقدس، به همت موسسه فرهنگی شهرآرا برگزار شد

فراگیری فرهنگ «فرنگیس»

راوی و نگارنده کتاب «فرنگیس»، میهمان مشهدی‌ها بودند

غلامرضا زورانی| «فرنگیس حیدربور»، بانویی که دلاوری‌هایش در دوران حمله عراق به ایران برسر زبان‌هاست، چندروزی است به پابوس امام هشتم آمده و میهمان مشهدی‌هاست. او به‌همراه نویسنده کتاب خاطراتش، «مهناز فتاحی»، برای شرکت در مراسم تقدیری به شهرمان آمده که روز گذشته به همت نهاد کتابخانه‌های عمومی استان برگزار شد. در این مراسم، علاوه بر مردم علاقه‌مند، نوروزیان، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری خراسان رضوی، مروارید، مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، سبزیان، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، نجاتی، مدیرکل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان، اصولی، رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی، زیارت، گردشگری و رسانه شورای اسلامی شهر مشهد، خانواده شهید مدافع حرم جواد محمدی مفرد و جمعی از خیّران کتابخانه‌ساز نیز در سالن حضور داشتند. فرنگیس حیدربور، از زنان نام‌آشنای دوران دفاع مقدس است که در گیلان غرب زندگی می‌کند و اقدام شجاعانه او در دفاع از مردم روستایش و کشتن یک سرباز متجاوز عراقی با تیر و به اسارت گرفتن یک سرباز عراقی دیگر شهره عام و خاص است؛ تاجایی که رهبر انقلاب در سخنرانی‌های مختلف چندباری از فداکاری‌های حیدرپور یاد کرده‌اند.

● **گره جامعه، دوری از کتاب است**

نوروزیان که به نمایندگی از استاندار خراسان رضوی آمده بود، ضمن خواندن چند خط از کتاب فرنگیس برای حضار، در سخنان کوتاه خود گره و مشکل اصلی جامعه و دعواهای قومی و قبیله‌ای و حزبی و گروهی را مطالعه نکردن دانست. او همچنین تأکید کرد مشکلات با کتاب‌خوان شدن جامعه رفع می‌شود.

● **کلاس صبر و تاب‌آوری**

سبزیان نیز که میزبان اصلی این مراسم او نهاد متبوعش بود، کتاب فرنگیس را کلاس آموزشی صبر و تاب‌آوری خواند و اقرار کرد که تا پیش از تقریظ نوشتن رهبر انقلاب بر فرنگیس، او هم توجهی به آن نداشته است. مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان خراسان‌رضوی، ابراز امیدواری کرد برگزاری گرامیداشت‌ها باعث جبران کم‌توجهی‌ها در جامعه شود و از همه افرادی که توانایی تبلیغ دارند خواست تا این کتاب را به عنوان سرمشق در جامعه معرفی کنند.

● **تبر فرنگیس، قلم مهناز**

مهناز فتاحی، گردآورنده و نگارنده فرنگیس، در آغاز صحبت‌هایش قلمش را با تبری که فرنگیس با آن جلو دشمن ایستاده بود، یکی دانست. فتاحی خوشحالی‌اش را اینکه فرنگیس مورد تقریظ ایت‌ا... خامنه‌ای قرار گرفته است بروز داد و از لزوم اهمیت دادن مردم و مسئولان به کتاب و کتاب‌خوانی چنان که رهبر انقلاب به آن توجه دارند گفت. نگارنده فرنگیس که چندین سال از عمر خود را برای گردآوری خاطرات فرنگیس حیدربور صرف کرده، مطمئن است در این زمان می‌توانسته است چندین جلد کتاب دیگر تألیف کند اما اهمیت داستان فرنگیس او را مصمم کرده است تا هرچقدر که لازم است برای نگارش آن وقت بگذارد.

● **خاطرات قهرمانان مشهدی را دریابید**

به گفته فتاحی، او تنها به ثبت خاطرات فرنگیس در وقایعی که تعریف کرده است، بسنده نکرده و از پیشتر شاهدان و حاضران خاطراتش هم مصاحبه گرفته است تا خاطرات فرنگیس و داستان رشادت‌هایش به طور جامع و کامل به دست مخاطب برسد. او همچنین با اشاره به خاطراتی که راوی تعریف کرده است و همزیستی‌اش که در روزهای پژوهش خاطرات با فرنگیس حیدربور داشته است، فرنگیس را زنی شجاع و غیرور دانست که در همه اتفاقات رفتار می‌کند. و درشت زندگی‌اش دلیرانه رفتار می‌کند. این نویسنده همچنین خطاب به حاضران مشهدی مراسم گفت: مشهد هم بر از قهرمان است و این افراد خاطراتی دارند که خواندن و شنیدنش برای هم جذاب است و باید ثبت و ضبط شود.

پیشنهاد بازار

گرمای تماشای تئاتر با «سردسیر»

یک آلبوم موسیقی سنتی با صدای دل‌نشین سیتا سرلک، فیلمی زنانه ساخته سهیل بیرقی و تئاتری از جنس عشق و جنگ به‌کارگردانی مصطفی ابهری، روزهای پایانی مهر را برایتان جذاب‌تر می‌کند. در چند سطر پیش‌رو می‌توانید با پیشنهادهای آخر هفته ما آشنا شوید.

● **دل دادن به «مجنون زمانه»**

روزهای میانی مهر با آلبوم مجنون زمانه، اثر جدید سیتا سرلک، برایتان خاطره‌انگیز خواهد بود. این آلبوم که با آهنگسازی انوش جهانشاهی روانه بازار شده است، هفت آهنگ باکلام شامل «مجنون زمانه»، «حلقه رندان»، «من نه منم»، «آواز همایون»، «چه کنم؟»، «آوای کجاوه» و «ماز بالایم» و دو آهنگ بی‌کلام به نام‌های «باز آمده» و «آواز چهارگاه» را در خود جای داده است.

در قطعات باکلام این آلبوم از سروده‌های شاعران کهن مثل مولانا، فروغی‌بسطامی، وحشی‌بافقی، جامی و نظامی بهره گرفته شده که با نوازندگی هنرمندانی چون انوش جهانشاهی، سینا جهان‌آبادی، پاشا هنجنی، روشنک نوری، مجید عسکری و محسن علیزاده‌گان به اثری شایان توجه تبدیل شده است.

این آلبوم را پخش موسیقی رها منتشر کرده است و علاقه‌مندان می‌توانند نسخه فیزیکی و اورجینال آن را از مراکز معتبر فروش در بازار موسیقی، تهیه یا برای خرید آن‌لاین و قانونی آن ازطریق سایت ریتمو اقدام کنند.

● **غافلگیری در فودگاه**

سینماروها در این روزها «عرق سرد» به‌کارگردانی و نویسندگی سهیل بیرقی را از دست ندهند. فیلمی که با دیدن تصاویری از افسوز اردستانی، کاپیتان تیم ملی فوتسال زنان ایران، متوجه گذر زمان نخواهید شد همچنین دیدن صحنه گل‌زنی افروز در تیم ملی که برای آلبوم‌بار به فینال بازی‌های آسیایی راه پیدا می‌کند، روی صندلی میخکوبتان خواهد کرد. در این ماجرا «افروز» پس از گل‌زنی راهی مالزی می‌شود. او در فرودگاه با شنیدن خبر ممنوع‌الخروج شدن خودش، غافلگیر می‌شود و تماشاگر را هم غافلگیر می‌کند. در این فیلم شاهد بازی‌های خوبی هستیم. باران کوثری به‌خوبی توانسته است نقش یک ورزشکار را ایفا کند. امیر جدیدی و سحر دولتشاهی هم یکی از بازی‌های متفاوتشان را به نمایش گذاشته‌اند. تمام بازیگران این فیلم سینمایی در جشنواره فیلم فجر، نامزد دریافت سیمرغ شدند که امیر جدیدی و سحر دولتشاهی برای بازی در آن، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد و نقش مکمل زن را دریافت کردند.

● **یک داستان عشقی در جنگ سرد**

برای اهل دل هیچ‌چیز دل‌چسب‌تر از یک داستان عشقی در دوران جنگ سرد نیست. نمایش «سردسیر» که این روزها در نگارخانه اشراق روی صحنه رفته است، داستانی مربوط به ۱۹۶۰ را در کشورهای روسیه و فرانسه روایت می‌کند. شاید شما انتظار داشته باشید با یک دکور سنگین و کلاسیک در این نمایش روبه‌رو شوید، ولی از حرکت و جابه‌جایی هفت صندلی در قالب‌های مختلف مثل تخت، کتابخانه و... هیجان‌زده خواهید شد. موسیقی این نمایش، به آهنگسازی آرمان پارسیان، از دیگر ویژگی‌های «سردسیر» است که اصلا سمت موسیقی کلاسیک نرفته است. به‌طور کلی طراحی مدرن و مینی‌مال نمایش سردسیر از ویژگی‌هایی است که این نمایش را از حالت سنگینی و یکنواختی خارج می‌کند. وقتی به تماشای این نمایش که هر روز ساعت ۱۸ اجرا می‌شود رفتید، از صحنه‌های غافلگیرکننده آن شگفت‌زده خواهید شد. تماشاخانه اشراق، نبش هاشمیه ۲۲ قرار دارد.

فرشته طائرپور، تهیه‌کننده سینمای کودک:

اکران فیلم‌های کودک را تنها سه اتفاق می‌تواند در کوتاه‌مدت نجات دهد: اول تبلیغات حمایانه صداوسیما. دوم، رفع تحریم از تبلیغ فیلم‌های کودک در کانال‌های ماهواره‌ای و سوم، توزیع رایگان یا کم‌بهای «پن-فیلم» در مدارس.